

پای کودکان هم به بازار مد باز شد

کودکان کار لاکچری

داستان بچه‌هایی که در صنعت مدلینگ به بیگاری گرفته می‌شوند، داستان کار کردن برای پدر و مادری است که قرار است بچه‌ها، سر و سامانی به حال و آینده آنها بدهند. این بچه‌ها در آمد خوبی دارند و والدین شان، به خوبی از این فرصت استفاده می‌کنند. به خصوص که مدتی است، کودکان خوش پوش صفحات مجازی، از پیج‌های اینستای مادر ها و پدر ها خارج شده و در دنیای واقعی مشغول «کت واکینگ» هستند!



آثر فخری، روزنامه‌نگار

مسافر مذکور گفت: خوب به نظرم آگه کار-تون این همه طول می‌کشه، باز بهتره بسپر ینش دست مادر برز گش. بچه رو نگاه کن! از حال رفته...

مادر بچه گفت: کار مال خود بچه است، بچه‌ام در مدلینگ فعالیت می‌کنه.

مسافر مزبور، لبش را گزید، نیم نگاهی به من کرد و دیگر ادامه نداد. فکر می‌کنم من و مسافر مزبور هر دو در آن دوسه دقیقه داخل آسانسور، با «کودک کار» در مفهوم تر و تمیز و شیکش مواجه شدیم. حتی صدای تیر کشیدن قلب‌های همدیگر را هم شنیدیم.

پشت پرده کودکان خوش تیپ در فضای مجازی
مدتی است عکس شیک و رتوش شده این بچه‌ها در صفحات مجازی دیده می‌شود؛ بچه‌هایی تر و تمیز که بادیدن عکس‌شان، می‌شود بوی پودر بچه و شیر خشک را احساس کرد. بچه‌های خوابیده و دراز کش و سوار بر دوچرخه و هر چیز دیگری، به شما لبخند می‌زنند. این بچه‌ها، خیلی تو دل برو و قشنگ هستند، اگر شما هم بچه‌ای دارید که می‌خواهید این طور جذاب باشد و دل از روز و روزگار ببرد، به پایین صفحه و به کیشن مراجعه کنید؛ در مورد برند محصول و نحوه خریدش توضیحات لازم داده شده. بله داستان این است؛ این بچه در میان چنین عکس‌هایی زندگی‌اش را گم کرده است که برای تهیه هر کدام‌شان، مدت‌ها در آتلیه، دست به دست شده، لباس عوض کرده،

سردش شده، گرمش شده و فرصت بازی با اسباب بازی‌هایی که دورش ریخته شده را نداشته. این بچه خوب و فرمان‌پذیر و زیبا، مصداق بارزی از نوعی «کودک آزاری» و نیز نمونه‌ای از «کودک کار» است در یک قالب جدید.

شما با یک گوگل کردن ساده، می‌توانید آتلیه‌هایی را پیدا کنید که انواع و اقسام آگهی‌هایی در این زمینه داده‌اند و از شما می‌خواهند فرزند دلبندتان را در اختیار این آتلیه قرار بدهید و آینده‌اش را بسازید! البته تمام این آتلیه‌ها، شرایط خاص پذیرش هر کودک را هم نوشته‌اند که ممکن است فرزند شما اصلا مشمول این شرایط نشود و ... خوب شما احساس کنید عجب بچه‌ای گیر آمده: سرخورده و مغبون می‌شوید. بازار، بچه شما را نمی‌خواهد و همین حس «نخواستنی بودن» را به شما هم منتقل می‌کند.

زیر عکس اکثر این بچه‌ها، در کانال مرتبط و غیر مرتبط با مدلینگ، گاهی با چنین جملاتی هم مواجه می‌شویم: «یکی از اینا چیه؟ ما همینم نداریم!». واقعیت این است که خیلی از ماها، از «ینا» نداریم. یک بچه معمولی داریم که برای وجود و سلامتی‌اش، شکرگزاریم و تمام هم و غم‌مان را گذاشته‌ایم برای تربیت در-ست و درس خواندنش و این که آینده‌ای بهتر از حال و گذشته ما داشته باشد. اما داستان بچه‌ای که در صنعت مدلینگ به بیگاری گرفته می‌شود، داستان کار کردن برای پدر و مادری است که قرار است بچه‌ها، سر و سامانی

به حال و آینده‌شان بدهند. این بچه‌ها در آمد خوبی دارند و والدین‌شان، به خوبی از این- فرصت استفاده می‌کنند. به-خصوص که مدتی است، کودکان خوش پوش صفحات مجازی، از پیج‌های اینستای مادر ها و پدر ها خارج شده و در دنیای واقعی مشغول «کت واکینگ» هستند!

خبرهای تلخ در راهند
حالا این بچه‌ها در «شوهای زنده» لباس، روی سن، برای تماشای‌ها و در حضور والدین‌شان، با لباس‌های خاص و برند، کت واکینگ می‌روند؛ بچه‌هایی که در این ساعت، یا باید در خانه در حال بازی باشند، یا در مهد کودک در کنار همسال‌های‌شان، مشغول آموختن چیزی باشند. اما این بچه‌ها، دارند به معنای واقعی کار می‌کنند و برای این کار، از مدت‌ها پیش، آموزش دیده‌اند و برای این آموزش، با دید اول آن سر کشی‌ها کودکانه‌شان، به‌نحو رام شوند. پس

این بچه‌ها در گیر خشونت‌ی پنهان هستند: آرام باش و این حرکت را انجام بده... نه این جور ی نه! دوباره برو از اول... و این ماجرای تمرین و اطاعت کردن، بارها و بارها تکرار می‌شود، تا صاحب کار راضی شود و او را روی سن بفرستد. کار زمان بری است؛ رام کردن «انسان» را می‌گویم. اما هم درآمد خوبی دارد و هم شهرت، هر چند شهرتی نه چندان دیرپا. و چون این شهرت، مستعجل است و با رسیدن دوران بلوغ و پدیدار شدن نشانه‌های زمختی و به‌هم ریختگی عضلات و استخوان‌ها، بازار این کودکان از رونق می‌افتد و می‌شود، آن‌چه نباید بشود.

آنیتا جلالی، مربی مهارت‌های زندگی، می‌گوید این- کودکان، به دلیل انگشت‌نما شدن و منتشر شدن مداوم تصویر و فیلم‌شان و نیز به دلیل مراقبت‌های خاصی که برای سالم ماندن بدن و چهره‌شان انجام می‌شود، دچار اعتماد به نفس کاذب می‌شوند. اعتماد به نفسی که گاه تنه به تنه غرور و خودشیفتگی می‌زند و موجب می‌شود بین آنان و هم‌سالان‌شان، فاصله زیادی بیافتد و نتوانند با آنان ارتباط سالم و سازنده ایجاد کنند و همین روند، به رشد شخصیت فردی و اجتماعی آنان آسیب جدی می‌زند. آن‌ها باور می‌کنند که تا بد در چنین وضعیتی خواهند ماند و در همه ارتباط‌های عادی و دوستانه خواه ناخواه و بنا به ماهیت شغل بسیار وقت گیر‌شان، به روی‌شان بسته می‌شود. جلالی با اشاره به خبر اخیر شوآف زنده این بچه‌ها در یک سالن مد که خبرش فراگیر شد، تذکر می‌دهد این کار مصداق «کودک آزاری» و «سوءاستفاده مالی» از کودکان است و NGOهای مربوط به کودکان کار، چنین بچه‌هایی را نیز تحت پوشش بگیرند و از گسترده شدن چنین روندی جلوگیری کنند. بسیاری از این بچه‌ها، پس از رسیدن به دوران بلوغ، کنار گذاشته می‌شوند و نیاز شدید به روان تراپی پیدا می‌کنند. در واقع مشکل این‌ها از دوران بلوغ به بعد با ضرره‌ای که به واسطه فراموش و نادیده گرفتن شدن می‌خورند، آغاز می‌شود. جلالی با نگرانی چنین ادامه می‌دهد:

«کودکان کار لاکچری» یا «کودک آزاری لاکچری» پدیده نوظهوری در کشور ماست؛ کار با چاشنی زرق و برق و تجارتي که دودش به چشم کودکان می‌رود. در واقع مدلینگ کودک، همان قرار دادن کودک در شرایط کار اجباری است؛ شرایطی که به کودک آسیب می‌زند. ما مدام اخباری دربار این مدل لباس کودکان، معروف تر-سن مشول‌های کودک و رقم‌های دستمزدشان می‌بینیم و می‌شنویم. اما شاید هر گز

تمام آتلیه‌های ویژه مدلینگ کودکان، شرایط خاص پذیرش هر کودک را هم نوشته‌اند که ممکن است فرزند شما اصلا مشمول این شرایط نشود و ... خوب شما احساس کنید عجب بچه‌ای گیر آمده: سرخورده و مغبون می‌شوید. بازار، بچه شما را نمی‌خواهد و همین حس «نخواستنی بودن» را به شما هم منتقل می‌کند

به فکرمان نرسد که همان قدر که کودکان فال فروش و گل فروش سر چهارراه‌ها ممکن است خسته و تنها و عاصی باشند، این بچه‌ها هم کودکانی در خدمت کار و پول و تجارتي هستند که ممکن است این شرایط، انتخاب و مطلوب خودشان نباشد. «مدلینگ کودک»، چنان رنگ و لعاب جذابی دارد که کمتر به فکر کسی می‌رسد که در آن نشانه‌هایی از آزار کودکان وجود داشته باشد؛ مدلینگ کودک هم یک نوع کسب و کار است. یعنی از کودک در خدمت فروش محصول، استفاده و در واقع سوءاستفاده می‌شود.

من را ببین، همیشه ببین

جلالی به نکته مهمی اشاره می‌کند: فرزند من هنگامی که با یک نمایش، یک پوشش خاص و یک برند گران قیمت در معرض دید همگان قرار می‌گیرد، زیبایی و ارزش‌هایش در همین موارد خلاصه می‌شود. او فرصت پیدانمی‌کند «من ارزشمند» و رونش را پرورش دهد. فقط یاد می‌گیرد اگر زیبا باشم و لباس‌های قشنگ بپوشم، مورد استقبال و تأیید قرار می‌گیرم و همین کافی است. ضمن این که از جامعه کودکان هم-سال خود جدا می‌شود و این جدایی به خودی خود مشکل دارد. نوجوان هنگام بلوغ با قیافه خودش مشکل دارد. فعالیت به‌عنوان مدل، این مشکل را بیشتر می‌کند و افسرده می‌شود. از طرفی اعتیاد به تغییر چهره پیدا می‌کند و تلاش برای رسیدن به چهره ایده‌آل در او اوج می‌گیرد. والدین با هر ابزاری می‌خواهند همان تصویری را که از کودکی او برای‌شان مانده حفظ کنند و برای این منظور متوسل به اعمال جراحی می‌شوند یا در ساده‌ترین روش ممکن، به آرایش اغراق آمیز پناه می‌برند. «پذیرفته نشدن» پس از یک سن خاصی، بزرگ‌ترین آسیبی است که ما به کودک می‌زنیم. مدل‌های بزرگسال که در معرض آسیب‌های مختلف هستند. حالا ما کودک را از همان سنین کم‌در معرض این آسیب‌ها قرار می‌دهیم.

۳۰ درصد مستاجران مناطق زلزله زده در کف خیابان



فرماندار سرپل ذهاب گفت: حدود ۳۰ درصد مستاجران خانه‌های تخریبی شهری در کرمانشاه کف خیابان زندگی می‌کنند، به این معنا که هنوز در اسکان موقت به سر می‌برند و در چادر و کانکس هستند. محبت جمالی نیا فرماندار سرپل ذهاب، گفت: این روزها همه مشغول مشارکت در ساخت و ساز کرمانشاه هستند و در خصوص آماده نشدن همه خانه‌ها، باید بگویم: فقط ۲۸ روز بتن‌ریزی کف زمان می‌برد، بنابراین با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که ترمیم همه خانه‌ها زمان زیادی را نیاز دارد.

او با اشاره به این که مستاجران خانه‌های تخریبی و تعمیری به دلیل تورم برای اجاره خانه دچار مشکل شده‌اند، گفت: حدود ۳۰ درصد مستاجران خانه‌های تخریبی شهری در کرمانشاه کف خیابان زندگی می‌کنند، به این معنا که هنوز در اسکان موقت به سر می‌برند و در چادر و کانکس هستند.

فرماندار سرپل ذهاب می‌گوید: اکثر مردم در شهرستان سرپل ذهاب در کانکس اسکان دارند، شاید اسکان در چادر هم وجود داشته باشد، اما در صد بسیار کمی را شامل می‌شود. برای تمام کسانی که اسکان موقت دارند و فضای عمومی ساکن هستند، تأسیسات فاضلاب، آب، خدمات بهداشتی و برق نیز به‌طور رایگان وجود دارد.

وی یادآور شد: افرادی که ۵ میلیون را دریافت کرده‌اند و کانکس ندارند، آب و برق مجانی و محیط در اختیار آنها است. تأدیری هم برای فصل سرما از سال گذشته در نظر گرفته شده بود که همچنان باقی است.

فرماندار سرپل ذهاب با تأکید بر این که پر و سه ساخت و ساز در کرمانشاه زمان زیادی می‌خواهد و باید تا به نتیجه رسیدن آن مردم صبور باشند، گفت: بیش از ۱۰ هزار واحد تعمیراتی در سرپل ذهاب تعمیر شده‌اند و در واقع بیش از ۱۰ هزار نفر از مالکان به واحدهای مسکونی خود بازگشته‌اند.



۱۲ ساله‌ها

در بین مسمومان الکلی



بنابر آخرین اعلام سرپرست سازمان اورژانس کشور، از نیمه شهریور ماه تا ۱۷ مهر، ۷۶۸ نفر بر اثر مصرف مشروب الکلی تقلبی حاوی متانول در استان‌های البرز، تهران، مرکزی، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، خراسان شمالی و قزوین دچار مسمومیت شدند.

از این تعداد، ۱۷۰ نفر کلیه‌های خود را از دست دادند، ۱۶ نفر نابینا شدند و ۶۹ نفر جان خود را از دست دادند. کم‌سن‌ترین فرد در میان مسمومان، دو پسر نوجوان ۱۲ ساله از استان‌های البرز و خراسان شمالی و مسن‌ترین فرد، مرد ۶۵ ساله از استان هرمزگان بوده است. از مجموع متوفیان این ۶۲ نفر مرد و ۷ نفر زن بوده‌اند و کم‌سن‌ترین متوفی، یک زن ۱۹ ساله از استان البرز و مسن‌ترین هم، یک مرد ۵۷ ساله از استان هرمزگان است.

مسئولان رصد آسیب‌های اجتماعی معتقدند که افزایش آمار قربانیان بر اثر مصرف مشروبات الکلی حاوی متانول، ناشی از افت و خیز شرایط اقتصادی کشور و بی‌ثباتی وضعیت اشتغال خانوارها با افرادی است که به‌انگیزه برکردن چاله‌های زندگی خود، مسیری سهل‌تر از تهیه متانول و ترکیب با اقسام داروهای اعتیادآور پیدا نکرده و با چشم فرو بستن بر هر احتمالی از بابت مرگ‌آفرین بودن معجونی که به‌اسم «درجه یک» عرضه می‌کنند، فقط به اسکناس‌هایی که از حاشیه این تجارت سیاه‌صاحب خواهند شد، می‌اندیشند. اما بازار تقاضا را هم نباید در این میان نادیده گرفت، که طی ۴۰ سال گذشته و به دلیل ممنوعیت شرعی و قانونی سوءمصرف الکل، انگیزه جوانان را برای مصرف این اقلام ممنوعه بیش از حد افزایش داده است.

با پیشرفت فن‌آوری و افزایش در دسترس بودن آن، می‌توان از افزایش سن و پیر شدن، جلوگیری کرد یا به توانمندسازی انسان‌ها به لحاظ توانایی‌های فیزیکی، ذهنی یا روان‌شناختی، اقدام کرد. این مکتب فکری، چنین تغییرهای بنیادی در وضعیت انسان‌ها را ممکن و آن را هم ضروری و هم خوشایند می‌داند. متفکران تریابشریت، در-ساره مزیت‌ها یا خطرهای بالقوه فن‌آوری‌های نوپیدی که می‌توانند به محدودیت‌های بنیادین انسان پایان دهند، مطالعه می‌کنند و هم‌چنین درباره مسائل‌های اخلاقی که در گسترش دادن یا استفاده از این فن‌آوری‌ها پیش می‌آید، بحث می‌کنند. آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند که انسان‌ها، در نهایت می‌توانند خودشان را به موجوداتی تبدیل کنند که آن‌چنان نسبت به انسان‌های فعلی ارتقاء یافته‌اند که بتوان آن‌ها را پساانسان نامید.

البته صحبت از چنین انسانی در جامعه ما، با بحران‌هایی که درگیرشان هستیم، فعلا و صرفا یک شوخی است. پس زیاد جدی نگیرید!

برای‌مان نمی‌افتد. این‌هم از بازی‌های ذهن بازیگوش ماست؛ فضاها را به خوبی تفکیک کرده و انتظارات مخصوص از هر فضا را طبقه‌بندی کرده است؛ همین مسأله در رابطه با گوشی‌های همراه، ساعت‌ها، لپ‌تاپ‌ها و اکثر دستگاه‌های هوشمند که صفحات تاج یا لمسی دارند هم اتفاق افتاده، ما تقریباً دیگر نمی‌توانیم با دستگاه‌های غیر لمسی، با آن سرعت و تمرکز که الان داریم، کار کنیم.

مشکل کجاست؟

برخی از جامعه‌شناسان یکی از ویژگی‌های زندگی جدید را «شتاب اجتماعی» آن می‌دانند. همه ما این احساس را داریم که زمان بسیار سریع می‌گذرد. این روزها، برای انجام هر کاری به لمس دکمه‌های تلفن همراه، لمس دکمه‌های دستگاه‌های

یک شوخی ساده با تراشیریت

آسیه ویسی

در ساختمانی که من در آن کار می‌کنم، تمام شیرهای آب، «چشمی» هستند، یعنی فقط کافی است دست‌مان یا طر فرمان رایگیریم زیر شیر آب، تا خود به خود، آب‌ان جاری شود. ما روزی هشت ساعت با چنین شیر آب‌هایی سر و کار داریم و همین باعث شده، به هر مکان اداری دیگری و یا به دانشگاه هم که می‌رویم، ناخودآگاه، دست‌مان را زیر شیر آب می‌گیریم و نگه می‌داریم و منتظر می‌مانیم تا آب جاری شود. بعد که چنین اتفاقی نمی‌افتد، عمیقاً احساس گول خوردگی می‌کنیم؛ ذهن‌مان بدجوری با عادت‌هایش ما را بازی می‌دهد. البته جالب‌ترین قسمت ماجرا این است که چنین اتفاقی در خانه و در رابطه با شیرهای آب خانه،